

جایگاه نام خزر در ایران و بررسی علل عدم پذیرش این نام در عصر حاضر

محمد رضا پورغلامی سرونانی

rezamrps@yahoo.com

چکیده

چنانکه می دانیم، بسیاری از عوارض موجود در روی زمین دارای اسم هستند و این اسامی بخش مهمی از اطلاعات نقشه را تشکیل می دهند. اگرچه اسم عارضه، همانند خود عارضه در روی زمین قابل رویت نیست، ولی درج آن در روی نقشه برای شناسایی تعدادی از عوارض لازم و ضروری است. نام های تاریخی جغرافیایی جهان، اعم از مرزهای خشکی و آبی، تنها به عنوان یک نام مطرح نیست، بلکه از هویت پویا و پشتوانه ای بزرگ در تاریخ برخوردار است.

نام گذاری دریاچه خزر را می توان از دو منظر یعنی نام گذاری داخلی و نامگذاری خارجی بررسی نمود. ۱- نام گذاری داخلی: در اسم گذاری عوارض طبیعی و انسانی یک کشور، رعایت اصول وقواعدی خاص ضروری است. بنابراین وقتی یک اسم به دلایل تاریخی، یادبود و یا سایر دلایل به عنوان اسم رسمی یک عارضه انتخاب می شود، عموم مردم ملزم به، بکاربردن آن اسم هستند. همانطور که می دانیم کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نامهای جغرافیایی ایران طی مصوبه ای کلیه دستگاههای دولتی را ملزم به نگارش نام "خزر" در داخل کشور نمود.

۲- نام گذاری خارجی: تاکنون وجه تسمیه عوارضی که به سایر کشورها تعلق داشته بدین ترتیب بوده است که اسامی، غالباً از زبان اصلی شان اقتباس و مطابق میل و سلیقه مردم هر کشوری تغییراتی در آن داده می شود و یا تحت تاثیر حوادث تاریخی و مراودات بازرگانی اقتصادی قرار داشته است. Caspian Sea یا "دریای کاسپین" که نام کاسپین به نام قوم باستانی کاسی بر می گردد، که در جنوب دریای خزر زندگی می کردند. در اکثر قریب به اتفاق، منابع خارجی نام این دریاچه بزرگ جهان "کاسپین" ذکر شده است. حتی در زبان روسی به آن "کاسپیسکویه موره" نام داده اند.

در این مقاله نگارنده سعی نموده، با بکارگیری از ابزار جمع آوری و کندوکاو در مدارک و اسناد، دلایل عدم پذیرش نام این قوم را بر این دریاچه بزرگ جهان از سوی محققین داخلی ذکر کرده که اهم آن عبارت است از: غیر ایرانی بودن قوم خزر- وحشی و غارتگر بودن قوم خزرها- فاقد دین پایدار و ثابت- دشمن ایرانیان و دوست دشمن ایرانیان- غیر ایرانی بودن واژه خزر، پرداخته شود. و در نهایت نگارنده، با این نتیجه که بواسطه غیره ایرانی بودن نام خزر، نادیده گرفتن سهم اقوام بومی و...، و ارائه پیشنهادات، مقاله را به پایان می رساند.

کلید واژه : کاسپین- خزر- هون- اعراب

مقدمه

چنانکه می دانیم، بسیاری از عوارض موجود در روی زمین، دارای اسم هستند و این اسامی بخش مهمی از اطلاعات نقشه را تشکیل می دهند. اگرچه اسم عارضه، همانند خود عارضه در روی زمین قابل رویت نیست، ولی درج آن در روی نقشه برای شناسایی تعدادی از عوارض لازم و ضروری است. هرچند نقشه، خود یک وسیله برای تبادل اطلاعات میان انسانهاست و علائم موجود در روی نقشه دارای مفاهیمی است که فراگیری آنها به برقراری ارتباط کمک می نماید، لیکن به کارگرفتن علائم قراردادی برای اطلاعات کافی نبوده و استفاده از اسامی جهت تکمیل این منظور الزامی به نظر می رسد. زبان و خط از جمله وسایل ارتباطی برای بیان مقاصد انسانهاست.

نقشه که نوع خاصی از وسیله ارتباطی محسوب می شود، بدون کمک نوشته ها کامل نخواهد بود. اسم موجب شناسایی اکثر عوارض طبیعی و انسانی شده و جزء تفکیک ناپذیر عوارض به شمار می رود که در رابطه با موقعیت جغرافیایی هر عارضه و تمایز آن با سایر عوارض بر روی نقشه آورده می شود (مقیمی، همراه، ۱۳۷۰ ص ۱۴۸-۱۴۷،)

نام های تاریخی جغرافیایی جهان، اعم از مرزهای خشکی و آبی، تنها به عنوان یک نام مطرح نیست، بلکه از هویت پویا و پشتمانه ای بزرگ در تاریخ برخوردار است. این گونه نامها، علاوه بر این که بیان کننده موقعیت جغرافیایی یک سرزمین است، به عنوان هویت و پیشینه یک تمدن کهن، پشتمانه ای تاریخی برای همه اقوام و ملت هایی است که در طول تاریخ در آن مرآمده و تعامل داشتند. (میرسنجری، ۱۳۸۵ ص ۱). استفاده از نام یک منطقه یا پدیده جغرافیایی فقط جنبه کاربرد محلی یا ملی ندارد. بلکه با توجه به گسترش ارتباطات، آمارهای جمعیتی، حقوق مالکیت و... از دیدگاه جهانی نامها در امور مختلف جهانی از جمله در مدیریت محیطی و منطقه ای، توسعه پایدار، کمک های اقتصادی، مقابله با بلایای طبیعی و... اهمیت دارند.

بنابر این ارتباط موثر و مناسب جهانی وابسته به استفاده صحیح از نامها در نقشه ها و اسناد است. هرگونه بی دقتی و ارائه نامناسب ممکن است که به بی نظمی و راهنمای غلط منجر شود. (زرقانی، ۱۳۸۲ ص ۲-۱،)

بحث:

نام گذاری دریاچه خزر را می توان از دو منظر یعنی نام گذاری داخلی و نامگذاری خارجی بررسی نمود.

۱- نام گذاری داخلی: افرادی که در یک کشور و تحت تابعیت یک حکومت به سر می برند، اگرچه ممکن است از لحاظ زبان و یا لهجه ای که در مناطق مختلف کشور متداول است تفاوت داشته باشند، ولی دارای زبان رسمی خاصی هستند. همانطوری که برای تکلم یک زبان رسمی، قوانین ویژه ای وجود دارد.

در اسم گذاری عوارض طبیعی و انسانی یک کشور، رعایت اصول وقواعدی خاص ضروری است. بنابراین وقتی یک اسم به دلایل تاریخی، یادبود و یا سایر دلایل به عنوان اسم رسمی یک عارضه انتخاب می شود، عموم مردم ملزم به، بکاربردن آن اسم هستند. (مقیمی، همراه ۱۳۷۰، ص ۱۴۸).

نام گذاری " خزر " بر روی این دریاچه بزرگ جهان و ایران از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی - سازمان نقشه برداری کشور - کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نامهای جغرافیایی ایران از جمله این موارد است. همانطور که می دانیم این کمیته طی مصوبه ای کلیه دستگاههای دولتی را ملزم به بکارگیری نام " خزر " در داخل کشور نمود.

بنابراین، با توجه به مصوبه مذکور در کلیه مکاتبات، قراردادها، اسناد و مدارک، متون درسی، نقشه ها و اطلسها و وسایل ارتباط جمعی از نام خزر استفاده شود و از نامی غیر از نامهای مصوب کمیته استفاده نگردد. (ورجاوند، ۱۳۸۲ ص ۱۰۹).

۲- نام گذاری خارجی: تاکنون وجه تسمیه عوارضی که به سایر کشورها تعلق داشته بدین ترتیب بوده است که اسامی، غالباً از زبان اصلی شان اقتباس و مطابق میل و سلیقه مردم هر کشوری تغییراتی در آن داده می شود و یا تحت تاثیر حوادث تاریخی و مراودات بازرگانی و اقتصادی قرار داشته است. گاه این اسامی از زبانهای غیر اصلی اقتباس می شود و یا در طول سالیان دراز دچار آنچنان تغییر می شود که ریشه یابی آنها آسان نیست. در هر حال، مشکل اساسی تغییر اسم، نامانوس بودن این اسم برای ساکنان اصلی آن مناطق است (مقیمی، همراه، ۱۳۷۰، ص ۱۴۹).

Caspian Sea یا " دریای کاسپین " که نام کاسپین به نام قوم باستانی کاسی بر می گردد، که در جنوب دریای خزر زندگی می کردند. در اکثر قریب به اتفاق منابع خارجی نام این دریاچه بزرگ

جهان "کاسپین" ذکر شده است. حتی در زبان روسی به آن "کاسپیسکویه موره" نام داده اند (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۲ ص ۱۱).

مهمترین مساله هنگام نوشتن نقشه، اسامی جغرافیایی (دریاچه خزر) هستند که موقع نوشتن و خواندن و تلفظ کردن و بالاخره شناسایی آن در محل ممکن است اشکالات زیادی بوجود آورند. اشکالات مذکور تا حدودی طبیعی است و در آینده، با مشارکت و حسن تفاهم سازمانهای بین المللی جغرافیایی، برطرف خواهد شد، ولی مشکل اصلی زمانی بوجود می آید که بنا به دلایل سیاسی یا هر دلیل دیگر، اسم محلی را آگاهانه تعریف نموده، در کتابها و نقشه های جغرافیایی وارد کنند، چون کتابها و نقشه های جغرافیایی، پس از گذشت مدت زمانی به عنوان مدرک در مجامع بین المللی حقوقی استفاده و استناد قرار می گیرد، درگیریهایی به وجود می آورد (زاهدی، ۱۳۷۰ ص ۱۴۴).

علل عدم پذیرش نام "خزر" بر روی این دریاچه در ایران

در اکثر مقالات و کتب علمی از بدنامی خزرها برخورد می کنیم و با توجه به سوابق مکتوبی که از قوم خزر بدست آمده میتوان دلایل عدم پذیرش نام این قوم را بر این دریاچه بزرگ جهان از سوی محققین داخلی ذکر کرد که عبارت است از:

۱- غیر ایرانی بودن قوم خزر: از جمله دلایل غیر ایرانی بودن خزرها این است که خزر (Khozare) قومی است ترک نژاد (بریمانی، ۱۳۵۰ ص ۳) و در شمال قفقاز در کرانه های دریای خزر مسکن داشتند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۲ ص ۱). آنان چادر نشین بودند و همانند قوم هون، مغول، تاتار، بلغار، و... در آسیای مرکزی و مغلستان و بالاخره در سرزمین های هم مرز چین روزگار می گذراند (روشن ضمیر، ۱۳۸۰ ص ۲۵، فروهر). خزرها به قول تئوفانس (Theophanes) تاریخ نویس، ترکانی از شرق بودند که بر اساس نظریاتی، با "هون ها" پیوستگی نزدیک داشتند و برخی دیگر آنها را از اصل "اوی غوری" و از نژاد "غز" می دانند (بهزادی، ۱۳۷۸ ص ۱).

۲- وحشی و غارتگر بودن قوم خزرها: خزرها قومی وحشی و غیر متمدن بودند. خزرها به جهت آنکه در منطقه سرد و مرطوب می زیستند، جهره ای سفید و پریده رنگ، چشمانی کبود و موهای آویخته داشتند. مردمانی جسماً تنومند و با ظاهری خشن بودند که بر اساس روایتی قدیمی، آنان را با یا جوج و ماجوج یک دانستند (حاج سید جواد، ۱۳۸۱ ص ۳).

آتیلای مشهور (Atila) سرکرده قوم وحشی آسیایی "هون" که در اواسط قرن ۵م، به اروپا هجوم آورده و خیلی از نقاط آن سرزمین را با خاک و خون یکسان نمود... قوم خزر در قرن ۲ هجری، دائماً در ارمنستان

وسایر خلفای عباسی و اموی مشغول تاخت و تاز بودند و حتی کشورهای شرقی دریای خزر را نیز مورد هجوم و چپاول قرار می دادند (بریمانی، ۱۳۵۰ ص ۴).

قوم نیمه متمدن و غارتگر خزر فقط چند قرن سایه شوم خود را بر نواحی شمالی دریای خزر و دریای سیاه افکنده بود... این اقوام همیشه به شهرهای اطراف خود بویژه به شهرهای چین یورش برده و دست به قتل و غارت می زدند. به همین سبب چینی ها به آنان لقب The-tse-tatal یعنی سگ بربر شمالی دادند. خاقان چین که کشورش سالهای سال مورد تاخت و تاز این اقوام ترک و تاتار قرار گرفته بود، دیوار چین را کشید، تا از مزاحمت های دائمی آنان در امان بماند (روشن ضمیر، ۱۳۸۰ ص ۸۰). ۳.

۳- فقدان دین پایدار و ثابت: از آنجاکه این قوم خزر هنوز خوی تمدن و شهرنشینی نیافته بودند، دین و آئین پیشرفته ای نداشته و اغلب به شمنیسم و محتملاً میترائیسم گرایش داشتند (رجبی، ۱۳۸۶ ص ۳). بعد از فروپاشی دولت ساسانی و تصرف ارمنستان به دست اعراب، خزرها با مسلمانان همسایه شدند و ابتدا برخلاف سایر هم نژادان خود که مسلمان شده بودند، در مقابل دین اسلام مقاومت کردند. اما پس از جنگهای پراکنده ای که بین آنان و مسلمانان در گرفت خاقان خزر با قبول پیمان صلحی که با مسلمانان منعقد کرد، به اسلام گروید. اما بعداً خزرها دین خود را تغییر دادند. (حاج سید جواد، ۱۳۸۱ ص ۳).

خزرها سفیری به قسطنطنیه فرستاده و از امپراتور روم "میشل" درخواست نمودند که یک نفر را مامور نماید که آنها را در دین مسیح تعلیمات بدهد (بریمانی، ۱۳۵۰ ص ۴). گفتنی است که خزران در حدود دهه چهل از سده هشتم میلادی به آیین یهود گرویدند.

این پدیده ایست استثنایی و درخور توجه که از همان زمان رویداد تعجب مردمان همزمان خزران را برانگیخت (ورجاوند، ۱۳۸۲ ص ۱۰۸). برخی اینگونه تحلیل میکنند که، خزرها، دین مشخصی نداشتند، لذا سر دسته این قوم تصمیم گرفت، با دعوت از دانشمندان سه دین مسیحیت و اسلام و یهودیت، سخنان هریک را گوش داده و یک دین را برگزینند که از این طریق خزرها به یهودیت گرویدند (میرسنجری، ۱۳۷۷ ص ۱۱).

۴- دشمن ایرانیان و دوست دشمن ایرانیان: خزرها هرگز با ایرانیان دوست نبوده و همیشه موجب دغدغه فکری اقوام و پادشاهان ایران بودند. گاهی این اقوام به دشمنان ایران اجازه میدادند که از طریق سرزمین خود به عنوان گذرگاه به ایران حمله کنند. بعنوان نمونه در سال ۳۰۰ هجری، روسها از خاقان خزر اجازه خواستند که از راه "اتل" به سوی گرگان و مازندران بروند و اگر خاقان خزر اجازه دهد نیمی از غنائم بدست آمده را به او بدهند. شاه خزر اجازه داد، آنان با گروههای جنگی خود به سوی مازندران

و گرگان سرازیر شدند و ویرانی و کشتار بار آوردند و بسوی سرزمین خزرها بازگشتند (میر ابوالقاسمی، ۱۳۷۹، ص ۵۹).

گاهی دشمنان ایرانیان، خزرها را از طریق تطمیع و وعده و وعید آنها را به جنگ با ایرانیان ترغیب می کردند. در سال چهارم هجری "هراکیلوس" با وعد و وعید، خزرها را به هجوم علیه ایران تشویق نمودند که در نتیجه لشکر بزرگی از خزرها وارد ایران گردیده و به ارتش روم ملحق شد (بریمانی، ۱۳۵۰، ص ۲). انوشیروان به منظور جلوگیری از حملات خزرها به ایران، لشگری را به سوی آنان فرستاد و شکست سختی به آنان داد (۵۵۶م) و سد مشهور "دربند" را احداث نمود. با این وجود خزرها بارها از سد مذکور عبور کرده و به ایران و ارمنستان حمله می نمودند (عجم، ۱۳۸۲، ص ۳۱).

۵- غیر ایرانی بودن واژه خزر: دلیل دیگر که می توان نسبت به عدم پذیرش نام خزر بر رو این دریاچه اشاره نمود، غیر ایرانی بودن این واژه است. عربی بودن این واژه، بواسطه برخوردهای نظامی و همجواری مسلمانان با قوم خزرمی باشد. بنابراین تحقیقات صورت گرفته، واژه خزر را اعراب بوجود آوردند. لذا این نام یک واژه عربی است.

بنا به عقیده "هرتسفلد" واژه "کاششو" (Kashshu) صورت اکلای نام "کاسی" است و پسوند "ip" پسوند جمع است، بنابراین کلمه Kasip در دست است که واژه "Kaspia" حالت صفتی دارد و به این لحاظ این کلمه به معنای "دریای مازندران (کاسپین)" است که اعراب نام خزر را برآن نهادند (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱). زمانی که خلفای عباسی و اموی با قوم خزر درگیر شدند، از همان اوقات بمناسبت آنها از طرف اعراب به این قوم "خزر" نام گرفت.

بنابراین زمانی که که سپاهیان خزر به گرجستان و ارمنستان یورش بردند و در قلمرو حکومت خلافت عربی تا موصل پیش رفتند و به دلیل حاکمیت خزرها براین منطقه، دریای کاسپین به دریای خزر تغییر نام داد. و تا امروز هم ادامه دارد. چون مسلمانان به خاطر ترس و وحشتی که از هجوم خزرها داشتند این دریا را "بحر خزر" نامیدند (عجم، ۱۳۸۲، ص ۳۱)، بنابراین نام خزر در دوره اسلامی از طرف عربها به این دریا (دریاچه) اطلاق گردید و بیش از آن دریای مزبور بنامهای دیگری نامیده می شد (بریمانی، ۱۳۵۰، ص ۴-۸). از نظر زبانشناسان واژه "خزر" در فرهنگ عبری به صورت "کوزاری" و در عربی به شکل "اخزر" به معنی تنگ چشم و یا چپ چشم و در روسی به صورت "کوزا" دیده می شود و کلمه "کز" به معنی "بزچران" می باشد که آنرا از "کوزای" روسی و یا واژه "جذر" ترکی می شناسند. ارتور کسلر می نویسد، کلمه روسی قزاق و کلمه مجاری "هوسار" هر دو به معنی سواره نظام است و باز کلمه Ketzer یا ملحد که به معنی یهودی است (میر ابوالقاسمی، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

نتیجه

مصوبه سازمان مدیریت و برنامه ریزی - سازمان نقشه برداری کشور - کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نامهای جغرافیایی ایران طی نامه ای، جهت جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی و جلوگیری از تشّت آراء در زمینه نام پهنه آبی کشور، همه دستگاه های دولتی را مکلف به استفاده از نام "خزر" در داخل کشور و Caspian در متون خارجی، قراردادهای و معاهدات بین المللی نموده و علت بکارگیری این نام ها را چون ۲۵۰ سال اخیر همواره از نام دریای خزر استفاده گردیده و از طرفی چون در قرارداد های بین دو کشور ایران و شوروی سابق همواره از این دو اسم استفاده شده است بیان کرده است.

باتوجه به دلایل ذکر شده درخصوص عدم پذیرش نام خزر در ایران، یک تضاد آشکار بوجود آمده است. ۱- سهم اقوام بومی که قدمت چند هزارساله را که در قسمت جنوبی دریاچه ساکن بودند به راحتی از نقشه ها پاک نموده ایم. ۲- نام قومی را برنقشه ها برگزیدیم که هیچگونه وابستگی (اعم از نژادی، زبانی، فرهنگ، دین، و...) به سرزمین ایران ندارد. ۳- دشمن ایرانیان و دوست دشمنان ایرانیان بوده است. ۴- از نظر مذهبی فاقد ثبات دینی بوده و تغییرات پی درپی جهت برگزیدن یک دین الهی دچار تزلزل بوده است که قبلاً اشاره نموده ایم. ۵- غیر ایرانی بودن نام خزر و انتخاب آن به عنوان یک نام رسمی بر روی یک عارضه طبیعی درواقع هویت فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی و... زیر سؤال برده و بیگانه پرستی را به طور ناخواسته رواج داده ایم. ۶- یکی از عوامل تاثیرگذار در قدرت چانه زنی با همسایگان شمالی جهت تقسیم منابع بستروروی دریاچه را در آینده از دست می دهیم. ۷- حضور قدرتهای بیگانه و دشمنان ایران جهت کسب منافع بیشتر، با آگاهی از غیره ایرانی بودن (با توجه به ابعاد ذکر شده) نام خزر، پر رنگ نموده و یکی از عوامل به آشوب کشیدن این منطقه می تواند محسوب شود.

پیشنهاد می شود با توجه به اهمیت یافتن این دریاچه از نظر ژئو استراتژی و ژئوپولیتیک به نکات ذیل توجه نمود: ۱- تجدید نظر در نامگذاری این دریاچه بدون قضاوت عجولانه و غیرکارشناسی و احساسی. ۲- استفاده از نامهای ایرانی جهت بازسازی هویت تخریب شده این منطقه، که این امر با بکارگیری از صاحب نظران و اساتید دانشگاهی ایرانی و خارجی و حمایت دستگاه های دولتی و رسانه های جمعی قابل جبران می باشد.

۳- آگاهی دادن عموم جامعه نسبت به وضعیت موجود و بررسی نظرات و پیشنهادات آنان در زمینه نام خزر. چراکه در خصوص بحران بوجود آمده در خصوص اطلاق نام خلیج فارس با عنوان جعلی "خلیج" بزرگترین عامل تاثیر گذار در عقب نشینی مجله نشنال ژئوگرافی، افکار عمومی بوده است.

منابع و ماخذ

- ۱- احمدی پور، زهرا-محرمی، نعمت الله-لطفی، محمد صادق(۱۳۸۲)پهنه آبی شمال ایران در بستر تاریخ،همایش نام نگاری ویکسان سازی نام های جغرافیایی،سازمان نقشه برداری کشور
- ۲-بریمانی،احمد(۱۳۵۰)،دریای مازندران،انتشارات دانشگاه تهران
- ۳-بهزادی،رقیه(۱۳۷۸)،نشریه چیستان،شماره ۱۰
- ۴-بیگدلی،علیرضا(۱۳۷۰)،نشریه راهبرد،شماره ۲۷
- ۵- خزر در یک نگاه(۱۳۸۱)،مرکز چاپ وانتشارات مزارت امور خارجه
- ۶-رجبی،محمد(۱۳۸۲)وجه تسمیه دریای خزر وحواشی تاریخی آن
- ۷- روشن ضمیر،مهدی(۱۳۸۰)نشریه فروهر،شماره ۳۸۸
- ۸- زاهدی،مجید(۱۳۷۰)،مقدمه ای بر کارتو گرافی،انتشارات سمت
- ۹- زرقانی،سید هادی(۱۳۸۲)،استفاده از نام های جغرافیایی به عنوان یک ابزار سیاسی، همایش نام نگاری ویکسان سازی نام های جغرافیایی،سازمان نقشه برداری کشور
- ۱۰- عجم،محمد(۱۳۸۲)مردم سالاری،شماره ۱۴۰
- ۱۱- عجم،محمد(۱۳۸۲)اسامی جغرافیایی باستانی میراث بشریت، همایش نام نگاری ویکسان سازی نام های جغرافیایی،سازمان نقشه برداری کشور
- ۱۲- عیسی پور،عزیز(۱۳۸۰)نشریه گیلان ما،شماره ۴
- ۱۳- مقیمی،سید جعفر-همراه،مجید(۱۳۷۰)کارتوگرافی،انتشارات گیتا شناسی
- ۱۴- میرابوالقاسم،سید محمد تقی(۱۳۷۹)،نشریه گیلان ما،شماره ۱
- ۱۵- میرسنجری،میر مهرداد(۱۳۷۷)همشهری
- ۱۶- میرسنجری،میر مهرداد(۱۳۸۵)، نشریه فر ایران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و تمدن ایران زمین.
- ۱۷- ورجاوند،پرویز(۱۳۸۲)مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی،سال هفتم،شماره ۸و ۷

